

هنرمندی بزرگ که ترنم باران نغمه‌های عطشناك صاحب‌دلان را سیراب می‌کند

خاموشی نام آوری جانشین

سوك مويه‌ای با یاد:
زنده‌یاد استاد جواد معروفی
نوشته: بهمن بوستان

بشناسیم، زندگی نامه پدرش را فهرست وار مرور می‌کنیم:

- * موسی خان معروفی در سال ۱۲۶۸ هجری شمسی در تهران بدنیا آمد.
- * در کودکی نزد حاج میرزا ابراهیم ملاباشی که معلم سرخانه پدرش و از اساتید بنام بود به فراگیری علوم قدیم پرداخت و با علوم صرف و نحو و منطق و فقه و تفسیر قرآن کریم آشنا شد.
- * نزد آقا یوسف صورتگر (عکاس ناصرالدین شاه) فن عکاسی را یاد گرفت. چون این آقا یوسف در سه تار هم دستی داشت، بهنگام فراقت در عکاسخانه سه تار می‌زده و موسی خان از آن لذت می‌برده است.
- * در اثر مراد هنرمندان بزرگ زمان با پدرش (امین‌الملک)، موسی خان مشاهیر موسیقی زمانه خودش را بسیار می‌دید و می‌شناخت.
- * در میان اساتید موسیقی با سماع حضور و آقا حسینقلی که اولی سنتور و دومی تار می‌زدند بیشتر مأنوس بود.
- * موسی خان که طفلی خجول و کم‌رو بود، احساس کرد که پیانو چون از یک سو امکان حمل و نقل ندارد و از سوی دیگر يك ساز فرنگی است و با طبیعت موسیقی ملی ما سازگار نیست، ناچار تازی تهیه کرد و باز بدلیل همان خجالت تارزدن را نیز پیش خود شروع کرد.
- * عمویش محمدحسن خان اتابکی که او نیز پیش از پدر با هنرمندان زمانش مأنوس بود، وقتی ساز برادرزاده‌اش (موسی) را شنید، استعداد شگرف او را دریافت و او را تحسین کرد.
- * عمو چون از حجب بیش از حد لزوم برادرزاده‌اش اطلاع داشت، روزی موسی خان را بی‌خبر و به بهانه قدم‌زدن و تفریح با خود به خانه درویش خان برد و این حادثه‌ای بزرگ در زندگی هنری موسی خان و طبعاً در تاریخ موسیقی معاصر ایران بود. این سال، سال ۱۲۹۷ هجری شمسی بود و درویش خان، هم بدلیل استعداد موسی خان و هم بدلیل آشنائی و رفاقت نزدیک با عمویش، شخصاً آموزش او را بعهدہ گرفت.
- * موسی خان در تیرماه ۱۳۰۰ هجری شمسی تمام جزئیات ردیف و دستگاه‌های موسیقی ایرانی را نزد درویش خان به پایان رساند و درویش خان که خود از فقرای نعمت‌اللہی و از مریدان صفی‌علیشاه و صفاعلیشاه (ظهیرالدوله) بود، به عنوان تشویق و قدردانی به موسی خان نشان تبرزین طلائی داد. درویش خان در کلاس درس موسیقی‌اش برای ایجاد نظم و تشویق نشان تبرزین را در انواع: برنزی، نقره‌ای و طلائی درست کرده بود و به شاگردانی که از نظر معنویت و تکنیک سرآمد بودند از این نشان‌ها اعطاء می‌کرد. تبرزین طلائی بالاترین و معتبرترین نشان تشویق در آن روزگار بود و در واقع

روز سه‌شنبه ۱۶- آذر ناپاورانه خبر درگذشت چهره‌ای گزیده در موسیقی کشورمان را شنیدم و با خود گفتم این ستارگان بی‌جانشین آسمان هنر موسیقی ایران زمین وقتی افول می‌کنند برای جامعه هنر ما واقعاً ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است و این خود سوگی است مکرر بر سوگ درگذشتشان. از خیل این نام‌آوران بزرگوار پیش از این به اندوه فقدان استاد بزرگ احمدعبادی که بحق پدر سه‌تار در ایران است نشستیم و همچنان در این اندوه هستیم که: «هردم از این باغ بری می‌رسد.» و این بار استاد جواد معروفی چهره شاخص و بی‌بدیل پیانوما را تنها گذاشت و خیل عظیم دوستدارانش را عزادار کرد. جواد معروفی از جمله هنرمندانی بود که موسیقی را با تمام شرایط معنوی و ضوابط اعتباریش فرا گرفته بود. ضوابط و معیارهایی که در فراگرد خاندانیش حاکم بود و شخصیت منسجم و شکل یافته‌اش نشان از يك تربیت صحیح خاندانی بر مبنای صداقت، ایمان و تقوا داشت. پدرش مرحوم استاد موسی خان معروفی یکی از چهره‌های ممتاز و مشخص موسیقی در تاریخ معاصر ایران است و جدش محمد اسمعیل خان امین‌الملک از رجال و شخصیت‌های معروف دوره قاجاریه بوده است بدنیست برای آشنائی بیشتر با روحیات استاد جواد معروفی مروری کوتاه داشته باشیم بر شناسنامه تبار او. محمد اسمعیل خان امین‌الملک که در روزگار خودش شخصیت مطرحی بود و از اعیان خاندان‌های تهران آن روز بشمار می‌رفت؛ زندگی مرفه و گسترده‌ای داشت. در آن وقت رجال مشهور ایران هر کدام به شیوه اروپائیان باغ مصفا و وسیعی داشتند که در آن آب‌نما و استخر و گلستان و بوستان وجود داشت و فرم آرایش و باغ‌سازی در آن به شیوه اروپائیان بود و به تبعیت از مردم فرنگ به این گونه باغستان‌ها پارک می‌گفتند. پارک امین‌الملک نیز یکی از همین پارک‌های دیدنی تهران آن روز بود. در اطاق‌های مفصل ساختمان این پارک دو پیانو وجود داشت که باز وجود همین ساز اروپائی نیز در خانه این گونه افراد نشان تشخیص آنان به حساب می‌آمد، ضمن اینکه اسمعیل امین‌الملک از دوستداران هنر نیز بود. اهل هنر را احترام می‌کرد و خانه‌اش پایگاه هنرمندان مشهور زمان بود. موسی خان معروفی در چنین حال و هوائی دوران کودکی خود را گذراند و به سبب وجود همین فراگرد در خاندانش، از دل و جان به موسیقی شیفته و وابسته بود. موسی خان در سنین خردسالی (حدود هفت هشت سالگی) با پیانو مأنوس بود و پیش خود این ساز را یاد گرفته بود و گهگاه قطعاتی می‌نواخت. سازش شیرین بود و هر کس می‌شنید او را با اعجاب تحسین می‌کرد. برای آنکه با فرصت وسیع‌تری به زندگی زنده‌یاد جواد معروفی بهر دایم و محیط نشو و نما می‌آورد او را

«می‌توان در خاطر یاران نشست»
«با حیات دیگران از مرگ رست»
* * *
«می‌توان برتر ز بودن بود و مرد»
«می‌توان ناپوده را با خویش برد»
* * *
«ما بجان همدلان آویختیم...»
«اینچنین از مرگ تن بگریختیم...»
«پروین دولت آبادی»

حکم جایزه اسکار را (منتهی در موسیقی ایران) داشت. درویش خان بعدها تصدیق نامه کتبی هم برای موسی خان نوشت.

• موسی خان برای آنکه بتواند دانسته‌هایش از موسیقی را بنویسد، برای فراگیری اصول علمی موسیقی و خط بین‌المللی «نوت» نزد حسین خان هنگ آفرین رفت.

• در همین اوان بعد از دوسه ماه کلنل علینقی خان وزیری چهره استثنایی موسیقی معاصر از اروپا به ایران برگشت. و مدرسه موسیقی خود را افتتاح کرد.

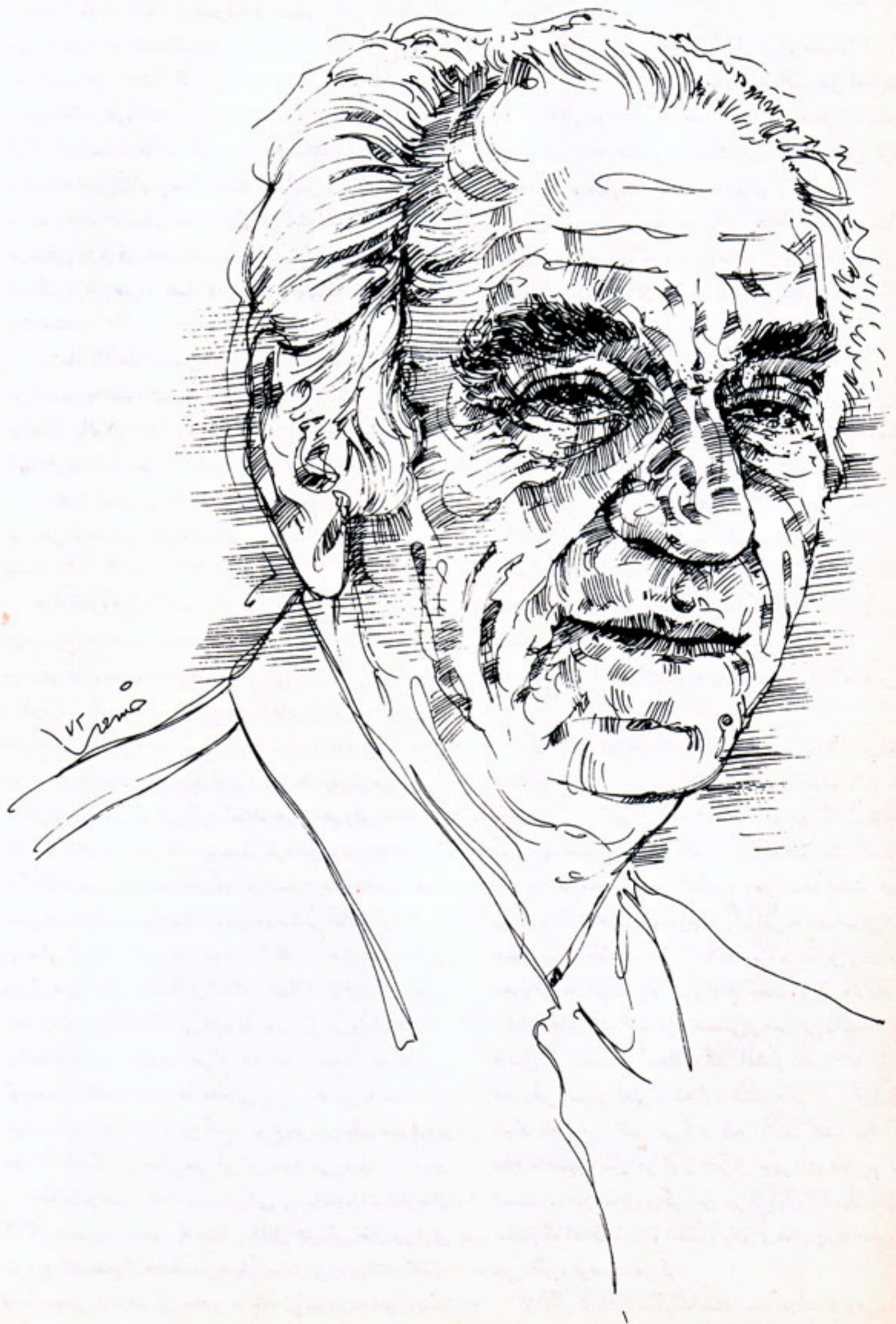
• موسی خان که همیشه خود را در موسیقی طلبه می‌دانست، با آنکه خود کلاس آموزش موسیقی و شاگرد داشت، با نظم و ادب خاص در کلاس‌های کلنل حاضر می‌شد و از محضر او بهره می‌برد.

• بعد از آشنائی با خط نت شروع کرد به نوشتن ردیف کامل سازی موسیقی ملی ایران و این بزرگترین خدمت و یادگاری است که از او به عنوان گنجینه ارزشمند موسیقی ایران بجا مانده است. موسی خان در این مجموعه تمام جزئیات ردیف، آهنگ‌ها، چهارمضراب‌ها، رنگ‌ها و... را که نزد مرحومین میرزا عبداللّه، درویش خان، حسینقلی و دیگران فرا گرفته بود دقیقاً به خط بین‌المللی موسیقی ثبت نمود که توسط اداره کل هنرهای زیبای وقت چاپ و منتشر شد.

• او بعدها وارد رادیو شد از طریق تکتوازی آهنگسازی و سرپرستی ارکستر خدمات شایانی ارائه داد و از خود آثار گرانبهائی بجا گذاشت.

• موسی خان معروفی که خود از فقرای نعمت‌اللّهی و اهل باطن بود، معتقد بود که موسیقی ایرانی به ضرورت طبیعت خود باید با عرفان و عوالم باطن ارتباط داشته باشد و با آن عجین شده باشد. او بر این نکته مهم اصرار می‌ورزید و می‌گفت هنرمند وقتی هنرمند است که از راه دل با عالم معنی ارتباط داشته باشد تا بتواند دل‌ها را تحت تأثیر بگیرد در غیر این صورت، هنرمند نیست و تنها یک تکنیسین به حساب می‌آید. او برای این گفته خود، در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی طی مصاحبه‌ای، خاطره‌ای را به عنوان شاهد نقل کرده است که بد نیست برای آگاهی از نوع تفکر این هنرمند آن را مرور کنیم. او گفته بود:

«از مرحوم حبیب سماع حضور که از فقرای نعمت‌اللّهی بود، وقتی در اواخر عمر جمعی از دوستان تقاضای نواختن سنتور نموده بودند: گفته بود: اجازه بدهید تا وضو بگیرم و با طهارت مشغول ساز شوم. یکی از دوستان گفته بود: (سنتور زدن که وضو نمی‌خواهد...؟!) و او در جواب گفته بود: چون من در موقع نواختن سنتور با حق راز و نیاز می‌کنم و مشغول مناجات هستم، لازم است با طهارت باشم. آری بندگان خدا و آنان که



* ضوابط و معیارهایی که بر فراگرد خاندانی استاد معروفی حاکم بود و شخصیت منسجم و شکل یافته او نشان از يك تربیت صحیح خاندانی بر مبنای صداقت، ایمان و تقوی داشت.

بویی از مقام قلندری به مشام جانانشان رسیده و گرفتار هوای نفس و هوس های بی جا نیستند، موسیقی را نوای عرشی میدانند و می گویند «چون از عالم پاك به دست ما رسیده، ماحق نداریم آن را آلوده کنیم. موسیقی دان واقعی هیچوقت خود را گرفتار مسکرو مخدر و غیره نمی کند» موسی خان بدنبال این روایت اضافه می کند: «البته چنین موسیقی دانی بسیار کم، بلکه نادر است و مردم عامه نمی توانند از وجود چنین موسیقی دانی استفاده کنند؛ زیرا بین مردم عادی و چنین هنرمند وارسته ای از لحاظ روحی - اخلاقی و معنوی فاصله بسیار است....»

* موسی معروفی که ذاتاً در گرایش به عالم معنی استعداد کافی داشت، ضمن تماس با هنرمندان اهل دل مخصوصاً زنده یاد درویش خان از درون متحول شد و خود نیز نسبت به ساز و موسیقی علاقه و رفتاری مشابه سماع حضور داشت.

* از دوستان همدوره موسی معروفی در خدمت درویش خان می توان به عنوان نمونه از: ابوالحسن صبا، ارسلان درگاهی، حسین سنجرى، عبدالله دادور (قوام السلطان)، مرتضی نی داوود و... بسیاری دیگر نام برد.

* از قطعات و آثار جاویدان این هنرمند وارسته می توان به: تصنیف دشتی «موسم گل» با شعر وحید دستگردی و آواز قمر - دل پسند (در ماهور) - خنده گل - مرغ حق - و... اشاره کرد.

* موسی معروفی با بجا گذاشتن آثار جاویدان بسیار سرانجام به سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در سن ۷۶ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. رحمة الله علیه

به بهانه مرگ پسر از پدر گفتیم، تا هم ذکر خیری از آن پدر وارسته هنرمند کرده باشیم و هم نمایانده باشیم که حال و هوا و فراگرد خاندانی زنده یاد استاد جواد معروفی چگونه بوده و او در چه محیطی تولد و تربیت یافته است. «او از چنان پدری یادگار بود...» یادگاری شایسته که بحق با آثار گرانبهایش تأثیری غیر قابل انکار بر موسیقی معاصر ایران داشت.

جواد معروفی این هنرمند بزرگ و سترگ ایران زمین در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. در خاندان این هنرمند موسیقی تمام فضا را عطر آگین کرده بود و شور و شیدایی خاصی در گرایش به این هنر الهی همه جا را فرا گرفته بود.

جواد از عهد گاهواره، گوشش با موسیقی و چشمش با هنرمندان بزرگ موسیقی زمان، آشنا شد او پس از دریافت گواهینامه پایان تحصیلات ابتدائی به توصیه پدر و به فرمان شوق انگیز دل، وارد مدرسه موسیقی کلنل علینقی خان وزیری (چهره ممتاز موسیقی معاصر) شد. او که پیش تر مقدمات

موسیقی را از همان سنین خردسالی نزد پدرش آموخته بود و دستش با تار آشنا بود، در مدرسه موسیقی کلنل با انضباط و مقررات ویژه ای که حاکم بود، فرصت یافت تا با فراغ بال کار جدی موسیقی را دنبال کند. او از این مدرسه فارغ التحصیل شد و پس از مدتی تار را کنار گذاشت و پیانو زدن را آغاز کرد. در سال ۱۳۱۲ (درست در ۱۸ سالگی) به دلیل استعداد فوق العاده اش به استخدام وزارت فرهنگ وقت (آموزش و پرورش امروز) درآمد و معلم موسیقی مدارس تهران شد. سپس از هنرستان موسیقی نیز موفق به دریافت دیپلم شد و باز به خاطر استعداد و تسلطش بر این هنر، در همان هنرستان به تعلیم موسیقی (سلفژ) پرداخت.

همزمان با آغاز تأسیس انجمن موسیقی ملی^۱، در ارکستر این انجمن به تکنوازی پیانو مشغول شد. جواد معروفی در شیوه نواختن پیانو در ابتدا بیشتر متمایل به سبک مشیر همایون شهردار بود و به شیوه نواختن زنده یاد مرتضی خان محجوبی کمتر رغبت نشان می داد. شاید این به دلیل تحصیل کلاسیک موسیقی در محضر کلنل و آشنایی او با مبانی موسیقی اروپایی بود.

جواد معروفی برای موسیقی مرز جغرافیایی نمی شناخت و آن را زبان دل های مستعد همه مردم جهان می دانست. به همه موسیقی های خوب دنیا رغبت نشان می داد و بهترین های آنها را گوش می کرد و می نواخت و بخش هایی از این موسیقی ها را که مؤانستی با موسیقی ملی ایران داشتند و لطمه ای به حال و هوای این موسیقی غنی و عرفانی نمی زدند ستایش می کرد و به خاطر می سپرد و اجرا می کرد. استاد جواد معروفی با تحصیل کلاسیک کافی و ممتعی که در موسیقی کرده بود و شوق و ذوقی که به کمال در درونش داشت به زودی توانست در ساز پیانو، به کمال نسبی دست یابد و خود صاحب شیوه و مکتبی خاص در نواختن موسیقی ایرانی با این ساز شود در سبک این هنرمند که دارای ویژگی های خاص و ممتازی است، تکنیک در نوازندگی سهمی عمده دارد. او با تسلط کافی که به موسیقی ایرانی و پیانو داشت، توانست با پرسه زدن در اطراف مقام ها - مایه ها، ملودی ها و گوشه های منتخب ردیف ها، قطعاتی تازه و توصیفی به سبک ویژه خود بنوازد که هر کدام از این آثار در نوع خود بی نظیر هستند و از قطعات ماندگار موسیقی ملی ایران بشمار می روند.

قطعات توصیفی که در موسیقی ایرانی سابقه نداشت از سال ۱۳۰۲ هجری شمسی به ابتکار کلنل علینقی خان وزیری شروع شد. معمولاً قطعات توصیفی بیشتر بر روی آثار کلامی قدما و بعضی از شاعران معاصر ساخته می شود و هدفش تجسم مضامینی است که در متن اینگونه اشعار نهفته است. به عنوان

نمونه کلنل وزیری بر روی غزل خواجه شمس الدین حافظ شیرازی با مطلع:

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

نیم شب یار به بالین من آمد بنشست

قطعه ای توصیفی ساخته است که بصورت يك تابلو

موزیکال، تمام تصاویر و حالت های نهفته در این غزل را با نغمه های موسیقی بصورتی زنده بیان کرده است.

این کار بعدها توسط زنده یاد روح الله خالقی و استاد جواد معروفی دنبال شد که آثار بازممانده از جواد معروفی در این زمینه، از شاهکارهای ماندنی او در موسیقی معاصر محسوب می شود.

جواد معروفی از سالهای آغازین تأسیس رادیو ایران، با این رسانه گرهی همکاری خود را شروع کرد و نوازنده ممتاز پیانو در ارکسترها بود. او علاوه بر نوازندگی در ارکستر، ساز سلو هم می نواخت. استاد جواد معروفی که خود به شعر فارسی علاقمند بود و آنرا به خوبی می شناخت مورد توجه و علاقه ویژه زنده یاد داوود پیرنیا نیز بود و بدلیل همین سنخیت ذهنی، سالهای متعددی رهبری ارکستر در برنامه های گلهای^۲ رادیو را نیز بعهده داشت.

بجاست به عنوان نمونه به بعضی از آثار ماندنی جواد معروفی اشاره ای داشته باشیم:

راهسودی (در مایه اصفهان) - فانتزی ژپلا - سوئیت (در دستگاه سه گاه) - سوئیت (در مایه دشتی) سوئیت (در دستگاه ماهور) - پرلود برای پیانو (در دستگاه چهارگاه) و دیلمان که گوشه ای است محلی در مایه دشتی و به صورت ارکستر برای زنده یاد غلامحسین بنان تنظیم و اجرا شده است. این آثار بی تردید از شاهکارهای موسیقی ایرانی به حساب می آیند. در همین جا به جاست که از علاقه ویژه و متقابل بنان و جواد معروفی به یکدیگر یاد کنم و اینکه چقدر این دو هنرمند از نظر سلیقه و ذوق با هم همدلی و همدمی و همراهی داشتند - دوست فاضل و دانشمند استاد دکتر افشار که با زنده یاد جواد معروفی انس و الفتی به کمال داشت، به کرات از قول زنده یاد جواد معروفی نقل می کرد که ایشان گفته بوده است: «غلامحسین بنان در آواز ایران چهره ای تکرار نشدنی است....» و از سوی دیگر، من نیز از زبان زنده یاد بنان بارها شنیدم که آهنگسازی و تنظیم و رهبری های جواد معروفی را «بی نظیر» توصیف می کرد.

از دیگر کارهای بسیار شایسته استاد جواد معروفی، احیاء و بازسازی آهنگ ها و ترانه های هنرمندان قدیمی بود. او با تنظیم

*** افول ستارگان آسمان هنر ایران ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است و این خود سوکی است مکرر بر سوک درگذشتشان.**
*** خاندان معروفی از دل و جان به موسیقی شیفته و وابسته بود.**

جدید و پر قدرت خود، موجب دمیدن جان و روحی تازه در آهنگ‌های: شیدا، عارف، رکن‌الدین خان مختاری درویش خان و بسیاری دیگر از آهنگسازان معروف و قدیمی ایران شد. او در تنظیم ملودی‌ها و آهنگسازی از قواعد علمی مکتب وزیری، یعنی هارمونی بر اساس ۲۴ بخش پیروی می‌کرد و خود نیز در ناختن پیانو از شیوه تفکیک توان و تکنیک دست راست و چپ استفاده می‌کرد و این قدرت را داشت که با دست چپ بطور جداگانه و فارغ از حرکت دست راست، استفاده مستقل بکند. اهل فن می‌دانند که رسیدن به این مرز تا چه حد استعداد و تحمل ریاضت و کار می‌خواهد...!

هنرمندان راستین علی‌رغم مرگ تن، از يك سو در دل‌های بی‌غبار صاحبان ذوق با یاد و خاطره و آثارشان برای همیشه زنده جاودان خواهند ماند:

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی

در سینه‌های مردم عارف مقام ماست

(حافظ)

و از سوی دیگر در وجود شاگردان و هنر آموختگان نشان تا ابد با وجود معنوی استمرار خواهند یافت.

جواد معروفی نیز چنین بود. او علاوه بر آثار گرانبهائی که از خود بیادگار گذاشت، شاگردان لایق و قابل‌نیتریست کرد که همگی میراث‌دار هنر والای استاد خود هستند. با اتکاء به حافظه به نام بعضی از این عزیزان هنرمند اشاره می‌کنم و از آنان که از قلم افتاده اند بوزش می‌طلبیم. چند تن از میراث‌داران هنر استاد جواد معروفی عبارتند از: انوشیروان روحانی - ساسان محبی - افلیا پرتو - مهین زرین پنجه - خواجه نوری - چشم آذر - اتابکی.

همانطور که به نقل استاد دکتر افشار، زنده‌یاد استاد معروفی در مورد استاد غلامحسین بنان گفته بود که: «بنان در آواز ایران چهره‌ای تکرارنشدنی است...» خود نیز با آن هنر و با آن سجایای اخلاقی محققاً تکرارنشدنی خواهد ماند... به گفته شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی:

برفت آن گلبن خندان به بادی

دریغی ماند و فریادی و یادی

زمانی چشم عبرت بین بختی

گرش سیلاب خون باز ایستادی

نیارد مادر گیتی، دگر بار

چنین صاحب‌دل فرخ نژادی

سرانجام به حکم محتوم اجل و اجل محتوم این هنرمند والاتبار نیز به خیل دیگر هنرمندان در گذشته پیوست و روز دوشنبه ۱۵ - آذرماه ۱۳۷۲ سر به تیره تراب فروکشید؛ درحالی که هنوز آرزوی بسیار برای بیان الهام‌های موسیقائی درونش داشت. باز از استاد دکتر افشار شنیدم که می‌گفت: ایشان در بیمارستان به خانم پرستاری که سرم به رگ دست او وصل می‌کرد گفته بود (خانم! خیلی احتیاط کن! چون من با این دست حالا حالا کاردارم)... روز پنجشنبه ۱۸ - آذرماه، یاران، دوستان و هم‌دلان هنردوست در میان افسوس و اندوه پیکر این هنرمند نامی را بر دوش خود از بیمارستان به تالار وحدت و از تالار وحدت تا فاصله بعید در خیابانهای تهران حمل کردند و از آنجا ضمن مشایعت همگان جنازه او را به گورستان بهشت زهرا بردند و در این گورستان انبوهی از هنرمندان سرشناس، هنردوستان و مردم حق گزار بر پیکر او نماز گزارند و به خاکش سپردند. خدایش رحمت کند و روانش شاد باد...!

پی نوشت‌ها:

۱- اولین گروه ارکستر موسیقی ملی را شادروان روح‌الله خالقی در اسفندماه ۱۳۲۲ هجری شمسی با شرکت و همکاری خوانندگان و نوازندگان نامبرده در ذیل تشکیل داد:

ابوالحسن صبا - حبیب سمعی - موسی معروفی - علی‌محمد خادم میثاق - عبدالعلی وزیری - جواد بدیع زاده - احمد فروتن راد - مهدی برکشلی - مهدی خالدی - مهدی مفتاح - نصرالله زرین پنجه - اکبر محسنی - لطف‌الله مجید - بهاء‌الدین پامشاد - لطف‌الله مبشر (گردآورنده ترانه‌های روستائی ایران) - حسین تهرانی - علی زاهدی - محمود تاجبخش - حسینعلی ملاح - منوچهر محمودی - قاسم نیک پور - ابراهیم منصوری - احمد عاشورپور - یحیی معتمد وزیری - جواد معروفی - محمد جمالی فروز - حسینعلی وزیری تبار - هادی نراقی و سلیمان روح افزا.

این گروه پس از دو ماه تمرین در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۳ - با تشویق کلنل علینقی خان وزیری که در آن وقت رئیس اداره موسیقی کشور بود، اولین کنسرت موسیقی ملی خود را اجرا کردند که این خود مقدمه‌ای شد برای کنسرت‌های بعدی.

۲- از آغاز سال ۱۳۳۵ هجری شمسی زنده‌یاد داوود پیرنیا (متوفی به سال ۱۳۵۰) - برنامه‌ای را با نام گل‌های جاویدان در رادیو بنیاد کرد که محتوای آن نظم و نثر در شرح احوال و آثار شاعران بزرگ و نامدار پارسی و تلفیق آن با موسیقی و آواز بود که گوینده صاحب ذوق و خوش صدا خانم روشنک اجراء متن آنرا بعهدہ داشت و نوازندگان و خوانندگان گزیده در آن شرکت داشتند.

بر اثر استقبال فراوان مردم از این برنامه که با وسواس و دقت

عجیب مرحوم پیرنیا تهیه و تدارک می‌شد، بعدها گل‌های رنگارنگ (در ذکر اشعار گزیده شاعران مختلف) - برگ سبز (برنامه‌ای در معرفی يك اثر مهم ادبی عرفانی) - شاخه گل (زندگی و اثر معروف يك شاعر) و گل‌های صحرائی (در معرفی دوبیتی‌ها و ترانه‌های محلی) بر آن افزوده شد.

این برنامه که در سال‌های بعد زیر نظر موسیقی شناس و شاعر خوب معاصر آقای هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) تهیه و بخش می‌شد نام «گل‌های تازه» به خود گرفت. برخی از نوازندگان برنامه‌های مختلف گل‌ها عبارتند از: ابوالحسن صبا - علی تجویدی - مهدی خالدی - حبیب‌الله بدیعی - جلیل شهناز - لطف‌الله مجید - فرهنگ شریف - حسن کسایی - احمد عبادی - مرتضی محجوبی - جواد معروفی - حسنعلی وزیری تبار - حسین تهرانی - و خوانندگان این برنامه‌ها بیشتر: غلامحسین بنان - عبدالعلی وزیری - ادیب خوانساری - حسین قوامی - محمود محمودی خوانساری - عبدالوهاب شهیدی - اکبر گلپایگانی - نادر گلچین - محمدرضا شجریان - مرضیه - الهه - سیمابینا و چند تن دیگر بودند. این برنامه‌ها به رهبری و آهنگسازی: جواد معروفی و روح‌الله خالقی اجراء و ضبط می‌شد. بعضی از آهنگ‌سازی که آثار آنان در برنامه‌های مختلف گل‌ها اجراء می‌شد عبارت بودند از:

علینقی وزیری - غلامحسین درویش - عارف قزوینی - عبدالحسین برازنده - موسی معروفی - جواد معروفی - ابوالحسن صبا - علی اکبر شیدا - مرتضی محجوبی - روح‌الله خالقی - حسین یاحقی - همایون خرم - پرویز یاحقی - مهدی خالدی - حسینعلی ملاح - مرتضی نی داوود - فرامرز پایور - علی تجویدی - حبیب‌الله بدیعی - فریدون شهبازیان - فرهاد فخرالدینی - محمدرضا لطفی - حسن یوسف زمانی و....

* در نوشتن این مطالب از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- نوشته‌ها - شنیده - یادداشت‌ها و مصاحبه‌های شخصی نگارنده در طول سالیان.
- ۲- دوره نفیس دوجلدی سرگذشت موسیقی ایران نوشته زنده‌یاد روح‌الله خالقی.
- ۳- کتاب باارزش چشم انداز موسیقی ایران نوشته محقق ارجمند آقای دکتر ساسان سہتا استاد دانشگاه اصفهان.
- ۴- چهره‌های موسیقی ایران نوشته شاپور بهروزی.
- ۵- از نور تا نوا: در شرح احوال استاد غلامحسین بنان
- ۶- مردان موسیقی سنتی و نوین ایران - نوشته: حبیب‌الله نصیری فر.
- ۷- مروری بر موسیقی سنتی ایران: نوشته: بهمن بوستان و محمدرضا درویشی.